آخرخط

اعتراف به قتل همسر و دختر در برج لوکس

تسنیم| مرد جوانی که همسر و دخترش را به قتل رسانده بود، به ارتکاب جنایت مسلحانه اعتراف کرد. تحقیقات این پرونده ساعت ۱۷ چهارم مرداد آغاز شد. باگزارش وقوع قتل مادر و دختر نوجوان در یکی از برج های لوکس منطقه چیتگر، کارآگاهان پلیس آگاهی تهران بزرگ راهی محل حادثه شدند. در بررسی اولیه، جسد دختر سیزده ساله و مادر جوان که هردو بر اثر شلیک گلوله به سر جان باخته بودند، کشف شد. طبق اطلاعات اولیه، پدر خانواده این جنایت را به پلیس اطلاع داده بود. در جریان تحقیقات، همسر مقتول اظهار کرد که صبح خانه را برای رفتن به بانک ترک کرده و با پدرش به خانه برگشته که با جسد همسر و دخترش روبه رو شده است و هیچ اطلاعی از حادثه ندارد. با ادامه بررسی ها و باتوجه به تناقض های موجود در اظهارات پدر خانواده، او بازداشت شد. اجساد نیز به پزشکی قانونی منتقل شد و متهم برای بررسی دقیق تر و روشن شدن ابعاد پنهان پرونده، در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. متهم صبح دیروز به قتل همسر و دخترش اعتراف کرد و ماجرای جنایت را این طور توضیح داد: چندسال بود که بیکار شده بودم، اما این موضوع را از همسرم پنهان کرده بودم. مدتی قبل او ماجرا را فهمید و همین باعث شد بین ما مشاجرات زیادی شکل بگیرد. از طرفی، بخش زیادی از پول هایم را از دست داده بودم و فشار روحی شدیدی روی من بود. چند روز پیش از حادثه، صاحب خانه اخطار داد که باید خانه را تخلیه کنیم. وقتی همسرم از این موضوع باخبر شد، دوباره بین ما درگیری های لفظی شدیدی آغاز شد که تا روز حادثه ادامه داشت. روز جنایت، بار دیگر سر همین مسائل با همسرم مشاجره کردیم. در جریان این دعوا، او به سمت گاوصندوق رفت تا اسلحه ای را که قبلا خریده بودم، بردارد. من هم به سمت او دویدم و سعی کردم اسلحه را از دستش بگیرم. در حین کشمکش، ناگهان یک گلوله شلیک شد و به سر همسرم اصابت کرد. او ادامه داد: دخترم که روی مبل نشسته و صحنه را دیده بود، شروع به جیغ و داد کرد. درحالی که به شدت ترسیده و آشفته شده بودم، کنترل خودم را از دست دادم و با همان اسلحه به سمت دخترم شلیک کردم و او هم جانش را از دست داد. پس از این کار، درحالی که شوکه و وحشت زده بودم، با خودرو شخصی به جاده بهشت زهرا(س) رفتم و اسلحه را زیر خاک پنهان کردم. سپس طلاهای همسرم را برداشتم و در انباری مخفی کردم. پس از آن هم با ماشین خودم به بانک رفتم و درنهایت برای اینکه وانمود کنم بی خبرم، به خانه برگشتم و با صحنه سازی، موضوع را به پلیس گزارش دادم. متهم صبح دیروز به دادسرای امور جنایی اعزام شد و با صدور قرار بازداشت موقت از سوی بازپرس ویژه قتل، برای روشن شدن زوایای پنهان پرونده در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

جهان حوادث

پرونده عجیب مرد نیوزیلندی بسته شد

یورونیوز| یک مرد نیوزیلندی که نزدیک به چهار سال برای فرار از پلیس در جنگل های دورافتاده منطقه ماروکوپا همراه سه فرزندش پنهان شده بود، روز دوشنبه در درگیری با پلیس کشته شد. در این حادثه یک مأمور پلیس نیز زخمی شد. تام فیلیپس از دسامبر ۲۰۲۱ با سه فرزند خردسالش ناپدید شد و از آن زمان تحقیقات گسترده ای برای یافتن آن ها در جریان بود. در درگیری اخیر، این مرد پس از سرقت از یک فروشگاه لوازم کشاورزی با پلیس روبه رو شد. پلیس با دستگیری یکی از فرزندان این مرد، موفق شد دو فرزند دیگر او را در یک اردوگاه جنگلی پیدا کند. فیلیپس حق حضانت قانونی فرزندان را نداشت و کودکان از زمان ناپدیدشدن به آموزش و خدمات درمانی دسترسی نداشته اند.

تعداد قربانیان سیل پاکستان به ۹۱۰ نفر رسید

صداوسیما| آخرین سرشماری قربانیان سیل های اخیر پاکستان نشان داد که تعداد جان باختگان به ۹۱۰ نفر رسیده است. بیشترین تلفات ثبت شده در دو ماه گذشته به علت طغیان رودخانه ها و سیل های ناگهانی در مناطق شمالی وکوهستانی پاکستان بوده است که ۴۴۲ نفر جان خود را از دست داده اند. براساس این گزارش، ۲۵۲ نفر بر اثر ریزش و تخریب خانه ها و ۶۵ نفر بر اثر غرق شدگی جان باخته اند و حوادثی از قبیل برق گرفتگی و رعد و برق هم تلفات گسترده ای در مناطق مختلف این کشور به جای گذاشته است. ایالت خیبرپختونخوا پاکستان با ۵۰۴ قربانی بیشترین تلفات را داشته است.

قاتل قارچی استرالیا به حبس ابد محکوم شد

یورونیوز| دادگاهی در ملبورن استرالیا «ارین پترسون» را به جرم مسموم کردن و کشتن سه نفر از بستگان شوهر سابقش با قارچ سمی به حبس ابد با دست کم ۳۳ سال حبس بدون حق آزادی مشروط محکوم کرد. پترسون در ماه ژوئیه به اتهام قتل پدر و مادر شوهرش و همچنین خاله همسرش با نوعی غذا که با قارچ سمی مخلوط شده بود، گناهکار شناخته شد. قاضی پس از صدور حکم، خطاب به متهم گفت: «قربانیان تو همگی از بستگانت بوده اند. فراتر از آن، همان طور که خودت در شهادتت اذعان کرده ای، آن ها سال ها با تو و فرزندانت رفتار خوبی داشته اند.» همچنین تحقیقات نشان داده که این فرد قصد کشتن همسرش را نیز داشته، اما او به مهمانی نرفته است.

پلیس مشهد با دستگیری ۴ سارق، از رازدزدی های آن‌ها پرده برداشت

باند «ابولی» از هم پاشید

سعید جلائیان

گزارش

در حاشیه بولوار سجاد، زن جوانی مشغول صحبت تلفنی بود که ناگهان دستی به سمت او دراز شد و گوشی گران قیمتش را قاپید. دختر جوان با شنیدن صدای دو موتورسیکلت به خودش آمد و دید چهار جوان با دو دستگاه موتورسیکلت از کنارش گذشتند و گوشی اش دست ترک نشین یکی از این موتورهاست. زن جوان فقط توانست باگوشی همراه دیگرش با پلیس تماس بگیرد و سرقت را گزارش دهد و بگوید: «چهار جوان سوار بر دو موتورسیکلت پس از سرقت به سمت خیابان آزادی فرار کرده اند.» زن جوان که صحنه سرقت مانند یک عکس در ذهنش ثبت شده بود، به رنگ لباس متهمان اشاره کرد و توضیح داد که موبایل قاپ ترک نشین تی شرت مشکی خال دار به تن داشته، اما راکب لباس مشکی ساده پوشیده است. درحالی که راکب و ترک نشین موتور دیگر، هردو لباس آبی پوشیده بودند. با توجه به اینکه از چند روز پیش، پلیس گزارش های مشابه دیگری درباره موبایل قاپی و زورگیری چهار جوان در محدوده بولوارهای امامت، معلم و سجاد دریافت کرده بود، با دستور سرهنگ محمد چراغ، فرمانده انتظامی مشهد، سرهنگ ابراهیم خواجه پور، رئیس کلانتری سجاد، از افسران این کلانتری خواست تا شناسایی و دستگیری متهمان را آغاز کنند.

درحالی که مأموران در محدوده اعلامی زن جوان مستقر شده بودند، مال باخته دوباره با پلیس تماس گرفت و اعلام کرد: «به طور اتفاقی سارقان را در خیابان استقلال دیدم.» زن جوان که هیجان زده شده بود، از مأموران خواست خودشان را هرچه زودتر برسانند. با وجود اینکه مأموران از زن جوان خواسته بودند فاصله خود را با متهمان حفظ کند، او شروع به تصویربرداری از آن ها کرده بود. چند دقیقه پس از تماس دوباره این زن، یکی از واحدهای گشت پلیس به خیابان استقلال رسید. زن با نشان دادن تصویری از متهمان، به پلیس گفت: «آن ها در حال پرسه زنی بودند، اما ناگهان از مسیر دیگری رفتند.» مأموران پیش بینی می کردند سارقان در بولوار استقلال طعمه پیدا نکرده اند و راهی خیابان دیگری شده اند. با اعلام این موضوع در بیسیم، مأموران راهی مناطق پرتردد حوزه استحفاظی کلانتری سجاد از جمله بولوار امامت شدند.

سرقت از آقای مهندس

ساعت ۱۵، یکی از واحدهای گشت به بولوار امامت رسید. هم زمان با مأموران، فردی که خودش را مهندس عمران معرفی کرد و سی و شش ساله بود، به مأموران گفت: «کارم تمام شده بود و با خودرو شخصی ام در مسیر بازگشت به خانه، پشت ترافیک امامت ایستادم که ناگهان پیامکی برایم آمد. وقتی می خواستم پیامک را جواب بدهم، دستی از شیشه باز ماشین وارد شد و گوشی همراهم را ربود.»

مال باخته اعلام کرد که سارقان سوار دو موتورسیکلت بوده اند و پس از سرقت، با هم از محل گریخته اند. با ادامه گشت زنی، مأموران موفق به شناسایی دو موتورسیکلت با چهار سرنشین شدند که لباس هایشان دقیقا شبیه همان لباس هایی بود که زن جوان اعلام کرده بود. مأموران با مشاهده دو موتورسوار، ضمن اعلام موقعیت به مرکز پیام پلیس، عملیات تعقیب وگریز را آغاز کردند. لحظاتی بعد موتورسیکلت دوم مسیرش را تغییر داد و از خیابان دیگری گریخت. با وجود تغییر مسیر این موتورسیکلت، مأموران همچنان به تعقیب موتورسیکلت اول پرداختند.

پرتاب قمه ۳۰ سانتی متری در خیابان

راکب موتورسیکلت از تقاطع امامت به سمت تقاطع آموزگار در حرکت بود که ترک نشین او یک قمه به طول سی سانتی متر از لباسش بیرون آورد و به سمت دیگر بولوار امامت پرتاب کرد؛ قمه ای که از بین چند دستگاه خودرو گذشت، اما خوشبختانه به کسی آسیب نرساند. وقتی موتورسیکلت سارقان به تقاطع آموزگار رسید، چراغ قرمز بود. راکب جوان موتورسیکلت از میان خودروهایی که پشت چراغ قرمز بودند، کوشید با بوق و تهدید راهی برای عبور پیدا کند، اما موفق نشد. مأموران هردو متهم را در عملیاتی ضربتی دستگیر کردند.

متهمان پس از دستگیری با وجود اینکه جرمشان مشهود بود، منکر سرقت بودند و مدعی شدند هجده سال سن دارند؛ ادعایی که پس از انتقال آن ها به کلانتری سجاد، کذب بودنش تأیید شد. با بررسی سوابق این دو متهم در سیستم مجرمان سابقه دار، مشخص شد متهمان که متین و حسین نام دارند، دو سال پیش در سن هجده سالگی به اتهام موبایل قاپی دستگیر شده و به کانون اصلاح و تربیت رفته اند.

مادر متهم: پسرم را رها کنید

درحالی که به نظر می رسید دو متهم جوان از حرف زدن و اعتراف واهمه دارند، یکی از متهمان با مادرش تماس گرفت و دقایقی بعد زنی وارد کلانتری سجاد شد. زن که خودش را مادر یکی از متهمان معرفی کرده بود، همراه خودش سه دستگاه تلفن همراه آیفون و شیائومی مسروقه آورد و با تحویل این گوشی ها، از مأموران خواست پسرش را فوری آزاد کنند. زن همچنین به مأموران گفت: «من خانه مان راگشتم، اماگوشی دیگری نبود.» درحالی که این مادر همچنان درخواست آزادی پسرش را داشت، شش مال باخته با مراجعه به کلانتری سجاد، این دو متهم جوان را شناسایی کردند. با اضافه شدن این مستندات، دو متهم که دیگر راهی به جز اعتراف نداشتند، در بازجویی فنی گفتند: «ما کاره ای نیستیم؛ رئیس ما فردی معروف به ابولی است. ابولی و همدست دیگرش ما را مجبور به دزدی می کردند. وقتی از کانون اصلاح و تربیت آزاد شدیم، او به سراغ ما آمد. ابولی با اجبار وکتک ما را وادار به همکاری کرد. او ما را آموزش داد وگفت باید زیردستش باشیم و دزدی کنیم. چندبار هم که به حرفش گوش نکردیم، هردومان را کتک زد.»

دستگیری سردسته باند

دو متهم جوان در ادامه اظهاراتشان اطلاعات سردسته باند را به پلیس دادند. به دنبال آن، مأموران با هماهنگی قضایی به عنوان مال خر با سردسته باند ارتباط برقرار کردند. ابولی و همدستش در جریان تعقیب از شهر خارج شده بودند، اما به امید پیدا کردن یک مشتری خوب ریسک کردند و برای فروش اموال مسروقه به شهر برگشتند. مأموران با ردزنی این افراد، آن ها را در حلقه محاصره خود درآوردند؛ حلقه ای که ابولی و همدستش لحظاتی پس از ورود به آن دستگیر و به کلانتری سجاد منتقل شدند. پس از دستگیری هر چهار عضو باند «ابولی»، متهمان به دادسرا منتقل شدند، اما تحقیقات پلیس درباره کشف جرائم احتمالی آن ها ادامه دارد.

عکس: اختصاصی شهرآرا

ملیحه جانش را باخت اما نامش ماندگار شد

خبر روز

سهیل دیبا| بی شک نام ملیحه جهانگیر در حافظه تاریخی مشهد ماندگار خواهد شد. این فرد ناجی سه بیمار نیازمند عضو شد. در تازه ترین عمل جراحی پیوند عضو، پیکر این بیمار چهل وسه ساله پس از تأیید مرگ مغزی در بیمارستان ولایت مشهد و رضایت خانواده اش برای پیوند عضو، راهی بیمارستان تخصصی منتصریه مشهد شد تا مقدمات این جراحی خداپسندانه انجام شود. با این انتقال و تأیید دوباره مرگ مغزی مرحوم، قرنیه ها و قسمتی از پوست او برای پیوند به بیماران نیازمند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد و بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) ارسال شد.

عکس خبر

نترسید، این فقط یک مانور است

شهرآرا| موضوع کمین خطر برای بیمارستان‌های مشهد، موضوعی قدیمی است؛ تا جایی که حتی برخی بیمارستان‌های مشهد نیز جزو بیمارستان‌های ناایمن دسته‌بندی شده‌اند. در این میان، آتش‌نشانی مشهد برای اینکه بتواند جلو خطرات احتمالی را در بحران‌ها و حوادث احتمالی بگیرد، در یک فضای واقعی، دیروز آتش‌نشانان مشهدی را با تجهیزات کامل راهی بیمارستان اکبر کرد تا با انجام یک مانور نیمه‌واقعی، بتوانند برای حوادث احتمالی آماده باشند.

جدول ۴۳۶۹

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.
تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

پاسخ ۴۳۶۸

ابزاری دردست آشپز
ساحر آرایش سینمایی
اشکار پول مالزی
ل ج دانشگاه ایران قدیم افراد کشور
پ زیرین سور
یکندگی سخن چین
ن م ا م
ع د ل ی ه
دادگستری سابق پدرمرده
ی ت ی م
ل ش رمق آخر کودکستان
ا م ن ا
ت پ ه
عدد نخست ماه چهارم میلادی
ی ک
و د
ه و ک ر
ر و ز ا
ز د ی ر
شهر خریزه باران اندک
ملکه اشور و بابل
س م ی ر ا
ا ت ی ن ه د ا
برقان نوعی قهوه‌ای
ش ک ل
بروت جنین
رطوبت جوی‌خون
ابادی پوشش ستور
رودعرب جمع شمس
تن‌پرور اسمی دخترانه
ستاره النصر فدیه
ابزارکار غیبگوی
صوت‌ندا غوزه پنبه
پول مجازی کاربرجسته
خوراکی ازبادمجان ابزاربنایی
ردپا مقدس ممنوعه
جذاب اجیر
مانند عضودست جوش‌وخروش
بلغور بهتر راز
نیکی درختی سوزنی‌برگ
یک‌طرفه حد
بمی بی‌آفت بیماری
نامی دخترانه شانه
خانواده
بر حرف
محله
پایتخت قدیم اندونزی
قبل‌ازخیز شهر المان
زبان گنجشک بی‌پروا
اموختنی مدرسه صوت‌افسوس
دمایا
قدم ناقلا دلسوخته
ازانگشتان چروک پیشانی
پایتخت جدید اندونزی
جایگزین لحظه بازده
نت‌منفی شرح
ا س ب ا
ا ی ر ت
م ه د ی
ب م ه ن
ک ا ا ا
م ج س ن م
ه ا م ر ا
ب ا ن ت ن
ح ا ر ا د
ی د و ر و
ا و ق م ا د ا ن ا ی ه ا ی ا ت ی ن ا ی م ا ی س م ی ر ا ی ا ن ه د ا م ا ک ا ل ا ش ر